

بسم الله الرحمن الرحيم: قطره‌ی ۸۱ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله- نماز باران و شرایط آن که توبه است و ارتباط ترک امر به معروف و نهی از منکر و عدم استجابت دعا و نزول عذاب الهی - ما در این بحث به دنبال این هستیم تا اثبات نماییم تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر احیاء نشود نمازهای باران تأثیر چندانی ندارد چرا که از شرایط نماز باران توبه است و در جامعه‌ای که منکرات انجام می‌شود و معروف ترک شده است، در این جامعه شرط اولی استجابت دعا که احیاء امر به معروف و نهی از منکر است انجام نشده و لذا توبه‌ی واقعی صورت نگرفته است و دعا مستجاب نیست و نماز باران تأثیری بر خشک‌سالی نخواهد داشت و استغفرالله الله گفتن زبانی و قدم عملی بر نداشتن توبه نمی‌باشد. در هنگام گرفتاری انسان‌ها به ضعف خود و قدرت خداوند پی می‌برند و یکی از آن زمان‌ها زمانی است که آب کم می‌شود و تمامی دستاوردهای انسان در خطر نابودی قرار می‌گیرد و انسان خطر مرگ را احساس می‌نماید، در این زمان است که انسان‌ها با انقطاع از امور مادی متوجه قدرت ما فوق می‌شوند و از خداوند عالم با عجز درخواست یاری و کمک می‌نمایند، البته در تفکر اسلامی تمامی اموری که در عالم رخ می‌دهد نتیجه‌ی قضاء و قدر الهی می‌باشد و هیچ امری بیرون از حیطة قدرت و حکمت و علم الهی نبوده و تمامی امور از جانب خداست، مرگ و زندگی، خشک‌سالی و ترسالی و ... لذا ما تمامی امور عالم را از جانب خداوند میدانیم و حقیقتاً این سخن رایج را که می‌گویند امور طبیعی مانند زلزله و باران و خشک‌سالی و ... را به معنای رایج آن قبول نداریم، همه‌ی این امور الهی می‌باشد، لذا خشک‌سالی و ترسالی هر دو امر الهی هستند که هر کدام حکمت خاص خود را دارند، رسول خدا ص فرموده‌اند: وقتی خداوند بر امتی غضب کند و عذاب بر آنان نفرستد، نرخ‌ها گران می‌شود و عمرها کوتاه می‌گردد، تجار سود نمی‌برند و درخت‌ها میوه ندهند و نهرها پر آب نمی‌شود و باران از مردم قطع می‌شود و اشرار بر آنان تسلط می‌یابند. در حدیث دیگری امام صادق ع فرموده است: و اذا جار الحکام فی القضاء امسک القطر من السماء. هر گاه زمامداران و حاکمان، در دادرسی ستم کنند، باران از آسمان قطع می‌شود. طبق روایات، شیوع گناه، کفران نعمت، منع حقوق، کم‌فروشی، ظلم و حيله، ترک امر به معروف و نهی از منکر، ندادن زکات و دروغ و ظلم حاکم... سبب قطع باران می‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که خشک‌سالی در حقیقت تازیانه‌ی خداوند است که باعث می‌شود ما به سمت خداوند و اتمام گناهان تغییر مسیر دهیم که در آن صورت خداوند هم نعمت را نازل می‌فرماید، طبق آیات سوره‌ی نوح، در زمان حضرت نوح و قبل از بلای جهانی، خشک‌سالی بر قوم حضرت نوح سایه افکنده بود و حضرت نوح قوم خود را به استغفار دعوت کرده بود تا با تغییر رویه خشک‌سالی بر طرف شود قرآن در سوره‌ی نوح آیات ۵ الی ۱۱ می‌فرماید نوح به مردم فرمود: قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا كُفْتُ: پروردگارا! همانا قوم خود را شب و روز دعوت کردم فَلَمَّ يَرُدُّهُمْ دُعَايَ إِلَّا فَرَارًا وَلى دعوت من جز بر فرارشان نیفزود وَإِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لَتَنْغُرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَشْوَ ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتَكْبَارًا و من هرگاه آنان را دعوت کردم تا آنان را بیامری، انگشتان خود را در گوش‌هایشان کردند و جامه‌هایشان را به سر کشیدند و بر انکار خود پافشاری ورزیدند و به شدت تکبر کردند ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جَهَارًا آن گاه آنان را آشکارا دعوت کردم ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا سپس آشکار و پنهان آنان را خواندم فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا پس گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره بسیار آمرزنده است يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا تا بر شما از آسمان باران پی در پی و با برکت فرستد، وَهَدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا و شما را با اموال و فرزندان یاری کند و برایتان باغ‌ها و نهرها قرار دهد- تمام- بدیهی است از دیدگاه دین گناه سبب قطع رحمت الهی است و تا زمانی که گناه پایان نیابد رحمت جاری نمی‌شود و استغفار زبانی بدون اینکه انسان گناهان را عملاً ترک کند نوعی تمسخر است و فایده‌ی چندانی ندارد، خداوند در سوره‌ی رعد آیه ۱۱ می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَ لَهُ خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملت) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند! و هنگامی که خدا اراده سوئی به قومی (بخاطر اعمالشان) کند، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد؛ لذا اگر عدم ریزش باران نشانه‌ی قهر و غضب الهی است و برای جلب رحمت باید توبه نمود، استغفار زبانی بدون پایان دادن به معاصی هیچ مشکلی را بر طرف نخواهد نمود در روایت است مردی خدمت علی (ع) رسید و نشست پیش حضرت و گفت: اسْتَغْفِرُ اللَّهَ حضرت فرمود تَكَلِّتُكُمْ أُمَّكَ مادرت به عزابت بنشیند یعنی همی این چه حرفی است که می‌زنی؟! اسْتَغْفِرُ اللَّهَ که توبه نیست، توبه شرایط دارد... نکته‌ای قابل تأمل است که قرآن در سوره‌ی روم آیه ۴۱ می‌فرماید: ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ مِمَّا كَسَبَتْ الْإِنْسَانِ بِهِ سبب آنچه مردم فراهم آورده فساد در خشکی و دریا نمودار شده است-تم- پس میتوان گفت که بشر به سبب گناهان از مسیر فطری و خدایی خود جدا شده و اسباب فساد در هستی را فراهم می‌آورد و در این زمان از پست‌ترین موجودات می‌شود که قرآن در سوره‌ی اعراف آیه ۱۷۹ می‌فرماید: وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أَوْلَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ و در حقیقت بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم [چرا که] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آن‌ها نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آن‌ها نمی‌شنوند آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترند [آری] آن‌ها همان غافل‌ماندگاند-تم- در حدیث آمده: حضرت سلیمان با اصحاب خود برای نماز باران بیرون می‌رفت. در راه، به مورچه‌ای برخورد که یکی از پاهایش را به آسمان بلند کرده و می‌گوید: خدایا! ما مخلوقات ضعیف تو هستیم و از روزی تو بی‌نیاز نیستیم، پس به سبب گناهان بنی آدم، ما را به هلاکت. حضرت سلیمان -علیه السلام- به اصحاب خود فرمود: برگردید! همانا به خاطر دعای غیر خودتان سیراب شدید-تم- در اسلام برای رفع خشک‌سالی دستوراتی بیان شده است که یکی از آن امور نماز استسقا است، نماز استسقا که برای نزول باران خوانده می‌شود، نماز باران دو رکعت است که رکعت اول، پنج قنوت و رکعت دوم، چهار قنوت دارد و بهتر است که با جماعت خوانده شود. در قنوت‌ها، هر دعایی می‌توان خواند، ولی بهتر است دعایی خوانده شود که در آن، از خداوند، طلب باران شده باشد و قبل از هر دعا، صلوات بر پیامبر و آلش فرستاده شود. مستحب است که حمد و سوره‌اش بلند خوانده شود. از آنجا که این نماز، برای جلب رحمت پروردگار است، در مستحبات آن اموری ذکر شده که همه، حالت رقت و زاری و نیاز بندگان رامی رساند و جلب رحمت می‌کند، از جمله، مردم سه روز، روزه بگیرند و روز سوم به صحرا روند و نماز بخوانند. زیر آسمان جمع شوند. پا برهنه باشند، مردم، منبر را با خود به صحرا ببرند، مؤذن‌ها هم همراه باشند. پیران و کودکان و چهارپایان را هم با خود ببرند، بچه‌ها را از مادران جدا کنند تا صدای گریه و ضجه زیاد شود. مانع بیرون رفتن کفار همراه خود شوند، امام جماعت و مردم، در کمال خشوع و وقار و درخواست، به بیابان بیرون روند، جای پاکی را برای نماز، انتخاب کنند و نیز، وقتی نماز به پایان رسید، پیش‌نماز به منبر رود و عباي خود را واژگونه یا پشت و رو بر دوش افکند، با صدای بلند، صد بار تکبیر بگوید، رو به مردم سمت راست کرده، صد بار بلند، سبحان الله بگوید، سپس به مردم طرف چپ روی کرده و صد بار با صدای بلند، لا اله الا الله بگوید، مانعی ندارد که مردم هم با صدای بلند، این شعارها را به دنبال پیش‌نماز، تکرار کنند، چرا که رحمت و مغفرت را بهتر جلب می‌کند. آنگاه، امام جماعت و مردم، دست به دعا بردارند و بسیار التماس و دعا کنند و بنالند و بخواهند و امام جماعت، خطبه بخواند و از خداوند، طلب باران کند- البته باید اعتراف نماییم که ما از حقیقت امور پنهانی عالم خردار نیستیم چرا که در روایت آمده: در زمان فرعون خشک‌سالی آمد و فرعون به درگاه خدا دعا نمود و دعای او مستجاب شد و خشک‌سالی بر طرف شد، در حدیث است از قول امام صادق ع که یاران فرعون از کاهش آب نیل پیش او سخن گفتند و اظهار کردند که این باعث هلاکت ما خواهد شد، فرعون از آنان خواست که آن که آن روز برگردند. شب که شد، به میان‌رود نیل رفت و دست به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! می‌دانی که می‌دانم که جز تو، کسی توان آب آوردن ندارد، پس به ما آب بده. صبح که شد، رود نیل فوران زد و سرشار از

آب شد. البته این نکته نیز حائز اهمیت است که نماز باران به علت حساسیت خاصی که دارد اقدام به این نماز جرئت و ایثار و اخلاص خاصی می‌خواهد، چرا که ممکن است خداوند دعا را مستجاب نکند و باران نبارند آنگاه چه بسا در جامعه اثر معکوس داشته باشد و عده‌ای به اصل دین خدشه وارد کنند و سبب سست شدن دین مردم گردد، یکی از معروف‌ترین نمازهای باران در تاریخ معاصر، نماز آیت‌الله العظمی سید محمدتقی خوانساری ره است. نوشته‌اند که در سال ۱۳۶۳ قمری، همان سالی که متفقین، ایران را اشغال کرده بودند، در قم باران نبارید و باغ‌ها و مزارع کرد. آن مرجع، دو روز متوالی برای نماز باران به بیابان‌های اطراف قم رفت، این حرکت، گرچه مورد استهزاء غیر معتقدان به امور معنوی و غیبی بود، ولی در روز دوم، چنان باران آمد که سیل‌ها روان شد و جویبارها به راه افتاد. لذا در این جریان نقل‌شده در بار اول باران نیامد و آن عالم بزرگ و وارسته مورد تمسخر مردم قرار گرفت و چه بسا اگر حکمت الهی اقتضاء کرده بود که باران نیاید چه بسا باعث می‌شد که بسیاری در اصل نماز و یا اصل دین و امور معنوی به شک و شبهه بیفتند لذا خواندن نماز باران حساسیت بسیار خاصی دارد، بدیهی است که عدم نزول باران به علت شیوع گناه و معصیت در جامعه است و وجود گناه و معصیت در جامعه‌ی ایران امری بدیهی و اظهر من الشمس است، این گناه تنها نه آن چیزی است که ما در کوچه و خیابان نظاره گر هستیم بلکه گناه در سطوح مسئولین که چه بسا سبب گناه مردم عوام هم باشد، از شرایط نماز باران توبه است و تا توبه نکنیم وضع همچنان باقی و اوضاع وخیم‌تر می‌شود یکی از گناهان ترک امر به معروف و نهی از منکر است، تا به صورت جدی مبارزه با منکرات و فساد شروع نشود دعایی مستجاب نمی‌شود تا به صورت جدی برای حلال نمودن اقتصاد بانک‌ها قدمی برداشته نشود لقمه‌ها حرام است و شکمی که لقمه‌ی حرام حمل کند دعایش مردود است و سکوت کننده مانند همان است، پیامبر اکرم (ص) درباره امر به معروف و نهی از منکر می‌فرمایند: لتأمرن بالمعروف و لتنهین عن المنکر او لیسطن الله شرارکم علی خیارکم فیدعو خیارکم فلا یستجاب لهم. همانا باید که دیگران را به معروف امر کنید و از منکر بازدارید، در غیر این صورت خداوند بدترین شما را بر بهترینتان مسلط می‌کند، آنگاه نیکان شما خدا را می‌خوانند، ولی دعایشان مستجاب نمی‌شود. درباره قوم شعیب است. به حضرت شعیب (ع) خطاب شد، ای شعیب! صد هزار نفر از قوم تو باید هلاک شوند: چهل هزار نفر از گناهکاران و شصت هزار نفر از نیکوکاران. حضرت شعیب (ع) عرض کرد: «پروردگارا! انسان‌های بدکار به سبب گناهشان باید هلاک شوند و مستوجب عذاب هم هستند، اما نیکو کارن به چه سبب باید نابود شوند؟ خطاب شد: ای شعیب! به این سبب که آنان شاهد ارتکاب گناه بودند و سکوت کردند؛ یعنی به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل نکردند- تم- توجیهاتی که برای بعضی از گناهان وجود دارد بی‌شبهت به توجیه اصحاب سبت برای ماهیگیری در روز یکشنبه نیست که در روز شنبه ماهی را گیر می‌انداختند و در روز یکشنبه ماهی را از آب می‌گرفتند و خداوند هم همه را به بوزینه تبدیل نمود، تاکید می‌کنم امر به معروف باید از سطوح مسئولین شروع شود و به صورت عملی و الا باید بدانیم ظاهر مردم جامعه باطن مسئولین هستند، اگر این کار را نکنیم خداوند پوست ما را می‌کند، رسول خدا ص: لتأمرن بالمعروف و لتنهون عن المنکر او لیحییکنم الله کما لَحِیتُ عَصَا هَذِهِ لَعُودٌ فِی بَدِهِ. باید امر به معروف و نهی از منکر کنید وگرنه همان‌گونه که من پوست این چوب‌دستی خود را کنده‌ام، خداوند پوست شما را می‌کند. ترک امر به معروف اعلان جنگ با خداست: پیامبر ص: إِذَا تَرَكْتَ أُمَّتِی الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيُؤَدِّئْ بَوَاقِعَ مِنَ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ. هر گاه امت من امر به معروف و نهی از منکر را فروگذارد، باید با خداوند جلیل اعلان جنگ کند (و خود را برای بلایی سخت از جانب خداوند جلیل آماده گرداند) بدیهی است باید مسئولین امر به معروف را احیاء کنند و الا در جنگ با خدا هستند حتی اگر خود آن‌ها هم منکری انجام ندهند، حال اگر آن‌ها خود منکرات را انجام دهند که او ایلا، از طرفی اگر مسئولین امر به معروف نمی‌کنند و چه بسا خود آنها منکر انجام دهند وظیفه‌ی جامعه است که آن‌ها را امر به معروف و نهی از منکر نمایند و مصیبت از اینجا شروع می‌شود که جامعه‌ی متدین امر به معروف مسئولین را رها کنند و با آنان از سر سازش و دوستی برآیند ولی به افراد ضعیف جامعه که می‌رسند با شدت مردم عامی را امر به معروف کنند در این صورت متدینین لباس را وارونه به تن کرده‌اند که این لباس نه زیبا می‌باشد و نه گرم می‌کند، چرا که چه بسا گناه افراد عامی جامعه نتیجه‌ی فعل مسئولین باشد، لذا وظیفه‌ی اصلی علما و طلاب امر به معروف و نهی از منکر مسئولین و مهره‌های کلان جامعه است و اگر به این مسئولیت عمل نشود هیچ قدرتی نمی‌تواند این فریضه را عملی کند و آنگاه همه باید منتظر عذاب الهی باشیم پیامبر اسلام ص فرمودند: لتأمرن بالمعروف و لتنهون عن المنکر، او لیعمنکم عذاب الله. یا امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید، یا عذاب خدا همه شما را فرامی‌گیرد. در جای دیگر فرمودند: إِنْ النَّاسُ إِذَا رَأَوْا الظَّالِمَ فَلَمْ يَأْخُذُوا عَلَی بَدِهِ، أَوْشَكُ أَنْ يَعْصِمَهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ مِنْهُ. اگر مردم، ستمگر را ببینند و دستش را [از انجام ظلم] نگیرند، زود باشد که خداوند کیفر خود را شامل همه آنان کند. در جای دیگر فرمودند: لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمْرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ، فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتُ وَ سَلَطَ بَعْضُهُمْ عَلَی بَعْضٍ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِی الْأَرْضِ وَ لَا فِی السَّمَاءِ. مردم تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر کنند و در کارهای نیک همیاری نمایند، در خیر و خوبی خواهند بود؛ اما هر گاه چنین نکنند، برکت‌ها از آنان باز گرفته شود و عده‌ای از آنان بر عده دیگر سلطه پیدا کنند و دیگر نه در زمین برایشان یآوری باشد و نه در آسمان. در جای دیگر فرمودند: نخستین عیب و نقصی که بر بنی‌اسرائیل وارد شد این بود که هر گاه مردی با مردی [خلاف‌کار] رو به رو می‌شد، به او می‌گفت: ای مرد! از خدا بترس و گناه نکن که این کارها بر تو روا نیست؛ اما فردای آن روز وی را با همان وضع [خلاف‌کاری و گناه] مشاهده می‌کرد ولی، برای این که هم کاسه و هم پیاله و هم‌نشین او باشد او را از گناه منع نمی‌کرد. فَلَمَّا فَعَلُوا ذَلِكَ صَرَبَ اللَّهُ قُلُوبَ بَعْضِهِمْ بِبَعْضٍ، ثُمَّ قَالَ: «لُعْنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ...»... الْآيَات... كَلَّا وَ اللَّهُ لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لَتَأْخُذَنَّ عَلَی يَدِ الظَّالِمِ وَ لَتَأْطُرَّنَّهُ عَلَی الْحَقِّ أَطْرًا. چون این رفتار را در پیش گرفتند، خداوند دل‌های آن‌ها را به جان یکدیگر انداخت و آن گاه فرمود: «کسانی از بنی‌اسرائیل که کافر گشتند، لعنت شدند... آری، به خدا سوگند که باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و دست ستمگر را بگیرید و او را با زور هم که شده، به سمت حق بکشانید. در جای دیگر فرمودند: إِنْ الْأَحْبَارَ مِنَ الْيَهُودِ وَ الرَّهْبَانَ مِنَ النَّصَارَى لَمَا تَرَكَوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَعَنَهُمُ اللَّهُ عَلَی لِسَانِ أَنْبِيَائِهِمْ، ثُمَّ عَمُوا بِالْبَلَاءِ. چون عالمان یهود و راهبان نصارا کار امر به معروف و نهی از منکر را رها کردند، خداوند به زبان پیامبرانشان آن‌ها را لعنت کرد و سپس بلا همه آن‌ها را فراگرفت. امام صادق علیه‌السلام در نامه‌ای به شیعیان نوشت: لَيُعْطَقَنَّ دَوُو السِّنِّ مِنْكُمْ وَ النَّهْيَ عَلَی دَوَى الْجَهْلِ وَ طَلَابِ الرِّئَاسَةِ، أَوْ لَتُصَيَّبَنَّكُمْ لَعْنَتِي أَجْمَعِينَ. باید افراد پخته و خردمند شما برای نادانان و ریاست‌طلبان دل بسوزانند [و نصیحت و ارشادشان کنند] و گر نه لعن و نفرین من به همه شما می‌رسد، رسول اسلام ص فرمودند: وَ اللَّهُ لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لَتَأْخُذَنَّ عَلَی أَيْدِي الظَّالِمِ وَ لَتَأْطُرَّنَّهُ عَلَی الْحَقِّ أَطْرًا، أَوْ لَيَضْرِبَنَّ اللَّهُ بِقُلُوبِ بَعْضِكُمْ عَلَی بَعْضٍ، ثُمَّ لَيَعْنَنَّكُمْ كَمَا لَعَنَهُمْ. به خدا سوگند که یا امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و جلو ستمگر را می‌گیرید و او را با زور هم که شده به راه حق می‌کشانید و یا خداوند دل‌های شما را به جان یکدیگر می‌اندازد، آن گاه همچنان که عالمان یهود و راهبان مسیحی را از رحمت خویش دور کرد، شما را نیز از رحمتش دور می‌سازد. بدیهی است که اگر ما امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنیم تفاوت چندانی با مردگان نداریم، امام علی ع فرمودند: مَنْ تَرَكَ إِنْكَارَ الْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ كَسَى كَسَى مَنْ تَرَكَ قَلْبَهُ وَ دَسْتَهُ وَ زَبَانَهُ انْكَارَ نَفْسِهِ وَ لَيْسَ بَيْنَهُمْ فَتَاوَتٌ چندان است میان زندگان؛ و البته احیاء کنندگان امر به معروف و نهی از منکر مقامات عجیبی در قیامت دارند، رسول اسلام ص فرمودند: أَلَا أُخْبِرُكُمْ عَنْ أَقْوَامٍ لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءٍ وَ لَا شُهَدَاءَ تَغْضِبُهُمُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ... يَأْمُرُونَهُمْ بِمَا يَحِبُّ اللَّهُ ُ وَ يَنْهَوْنَهُمْ عَمَّا يَكْرَهُ اللَّهُ گروهی هستند که نه پیامبرند و نه شهید ولی مردم به مقامی که خداوند به خاطر امر به معروف و نهی از منکر به آنان عطا فرموده غبطه می‌خورند. و محتواها را چاپ کرده و به دیگران رسانید. پس نماز باران بدون توبه مستجاب نیست و توبه بدون احیاء امر به معروف و نهی از منکر توبه نیست پس باید توبه‌ی حقیقی نمود و قدمی برای مبارزه با منکرات و